



علیرضا موش/گزارشگر ایران

روایت کسانی که از آنها تنها یک عکس باقی مانده است

# قصه گمشده‌های میدان شوش

ترانه بنی یعقوب  
گزارش نویسنده

به تابلیو گمشده‌هایش نسیپارد. شاید هیچ وقت گذر گمشده به اینجا نیفتد، شاید هم بیفتد اما کسی او را نشانسد، اما به هر حال بیشتر خانواده‌ها برای یافتن گمشده خود به اینجا می‌آیند. ترمنال جنوب، ممکن است خیلی‌ها را به شوش و اطرافش بکشاند. فرقی نمی‌کند کی هستند و کجا زندگی می‌کنند؛ در حاشیه تهران، بومهن، قرچک ورامین، خلایزیر، کرمانشاه، بوم، همدان و... همه آنها گم شده‌اند؛ با داستانی غم‌انگیز و مشترک. وقتی با کوله‌ای روی دوش از راه می‌رسد، درهم شکسته و ویران است. لباس‌های

کهنه، پوست زمخت و ترک خورده صورت و... هر قدر نگاهش می‌کنی به سختی می‌توانی سنش را حدس بزنی. ۳۰ ساله است یا ۵۰ ساله؟ تشخیص اش آسان نیست. مدتی طولانی به دیوار خیره می‌شود و بعد انگشت اشاره‌اش را به سمت تصویر می‌گیرد: «من مریم هستم، همین عکس روبه رویی.» تصویر دختر روی دیوار لیچند می‌زند. مگر ممکن است عکس همین دختری باشد که مقابل شان ایستاده؟ آن چشم‌مان درخشان زیبا کجا و این زن درهم شکسته کجا! مگر ممکن است

این زن با دختر توی عکس نسبتی داشته باشد؟ می‌گوید بیماری اعصاب دارد و خانواده نتوانسته تحملش کند. از خانه بیرون زده و از شوش و پاتوق‌های مواد مخدرش سردرآورده است. مواد مخدر و بی‌خانمانی، این چهره جدید را برایش ساخته. با شماره‌ای که دارند، تماس می‌گیرند اما جوابی نمی‌شوند. مریم مدتی در گرمخانه می‌ماند و باز ناپدید می‌شود. بنشینیم پای حرف‌های سپیده علیزاده مدیرعامل مؤسسه کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان و دختران «نورسپید هدایت» (گرمخانه) درباره گمشده‌ها:

«تقریباً روزی نیست که خانواده‌ای به مرکز ما نیاید و عکس و فیلمی از گمشده‌اش نیاورد. بعضی هم صفحه شناسنامه یا یک عکس شناسنامه‌ای می‌آورند و از ما می‌پرسند گمشده‌شان را می‌شناسیم یا نه؟ هر چندماه هم یک نامه از اداره مفقودین آگاهی به دستمان می‌رسد که اگر کسی را با این مشخصات می‌شناسید به ما معرفی کنید. خانواده‌هایی پیش ما می‌آیند که خیلی اضطراب دارند و عکس گمشده‌شان را به همه نشان می‌دهند. گاهی مددجویان مصرف‌کننده مواد به آنها آدرس و نشانی نادرستی می‌دهند و خانواده‌ها را بیشتر گمراه می‌کنند. ما اغلب به خانواده‌ها می‌گوییم عکس بفرستید و منتظر بمانید تا اگر کسی با این مشخصات مراجعه کرد، اطلاع بدهیم، اما اغلب عکس‌هایی که می‌فرستند با حال و روز مددجویی که وارد می‌شود بسیار متفاوت است چون گاهی آن شخص چنان آسیب دیده یا در ورطه مصرف مواد افتاده و داغان شده که قیافه‌اش با عکسی که خانواده داده اصلاً همخوانی ندارد.» اغلب کسانی که به این مرکز مراجعه می‌کنند شناسنامه یا کارت ملی ندارند. بنابراین پرونده‌هایی که برایشان تشکیل می‌شود با عکس و اسمی است که خودشان می‌گویند. اسمی که ممکن است واقعی نباشد. گاهی هم ممکن است یک اسم در چند پرونده تکرار شود؛ یکی نمی‌خواهد خانواده پیدایش کند یا دیگری ممکن است جرمی مرتکب شده باشد و نخواهد نامش فاش شود، در نتیجه فرایند ثبت مشخصات دشوار است. دختری با کلی طلا از راه می‌رسد. از زندگی در خانه می‌ترسیده و یک روز تصمیم گرفته برای همیشه خانه را ترک کند و به ذهنش رسیده که می‌تواند همه طلاهای مادرش را هم بردارد. علیزاده درباره او می‌گوید: این دختر از شهرستان آمده بود و شب هم از راه رسید و من نمی‌توانستم راهش

ندهم تا زمانی که برایش جایی امن پیدا کنم. من نمی‌دانستم دختری با این همه طلا مجرم است یا داستانی که در مورد خودش می‌گوید راست است یا دروغ؟ بعد از چند روز والدین او مقابل مرکز ما ایستاده بودند. از طرفی دختر به من التماس می‌کرد، اجازه ندهم دست پدر و مادرش به او برسد. مجبور شدم با کلانتری تماس بگیرم. آنها هم گفتند ما نمی‌دانیم چه بگوییم چون قانون می‌گوید والدین سرپرستش هستند و ما هم اگر بیاوریم در نهایت باید این دختر را تحویل بدهیم. آخر سر با اورژانس اجتماعی بهزیستی و ۱۲۳ تماس گرفتم. یک‌سال بعد این دختر از من می‌پرسید حالا باید چه کار کنم باز هم فرار کنم؟ هر چند توصیه ما این است که هیچ وقت و تحت هیچ شرایطی از خانه فرار نکنند، ولی معمولاً در نهایت فریب می‌خورند و از خانه بیرون می‌آیند. من همیشه به این دخترها می‌گویم اگر از خانه بیرون بیایی معلوم نیست چه اتفاقی برایت بیفتد. حداقل توی خانه از سمت یک نفر آسیب می‌بینی، اما اگر از خانه بیرون بیایی از ترمنال جنوب خارج نشده آسیب می‌بینی. آنها نمی‌خواهند این حرف‌ها را باور کنند و فکر می‌کنند فریب نمی‌خورند. برای همین اگر فردی به مرکز ما برسد، سعی می‌کنم قبل از ۲۴ ساعت با خانواده آشنی‌اش بدهم. سختی کار دقیقاً اینجا است که وقتی فردی پیش‌تان می‌آید و اصرار می‌کند نمی‌خواهد خانواده‌اش بدانند کجاست، برایتان یک بحران اخلاقی به وجود می‌آید که آیا می‌توانی و آیا اصولاً این حق را داری که او را به خانواده معرفی نکنی؟ گاهی اوقات طرف داستان‌هایی می‌گوید که کسی واقعیتش را نمی‌داند و روزی نیست که ما با این صحنه‌ها روبه‌رو نباشیم. افرادی که هیچ حمایت قانونی و کافی دریافت نمی‌کنند و جان‌شان در خطر است

اغلب کسانی که به این مرکز مراجعه می‌کنند شناسنامه یا کارت ملی ندارند. بنابراین پرونده‌هایی که برایشان تشکیل می‌شود با عکس و اسمی است که خودشان می‌گویند. اسمی که واقعی نباشد. گاهی هم ممکن است یک اسم در چند پرونده تکرار شود؛ یکی نمی‌خواهد خانواده پیدایش کند یا دیگری ممکن است جرمی مرتکب شده باشد و نخواهد نامش فاش شود

فکر می‌کنند آسیب‌های بیرون از آسیب‌های داخل خانه کمتر است. مطالبه‌گری از قانون و تغییر قوانین و حمایت از این افراد آسیب‌پذیر تنها راه چاره است. هر چند ۱۵ سال قبل هم افراد آسیب‌دیده در معرض همین مشکلات بودند و هنوز هم همین مسائل را دارند.» این قصه آدم‌های گمشده شهرمان است. زنان و دخترانی که تبدیل به تصویری روی دیوار شده‌اند. دخترانی که معلوم نیست روزی پیش عزیزان‌شان برواوند گشت و راوی قصه‌های شان خواهند بود یا نه؟ شاید هم قصه زندگی‌شان برای همیشه ناگفته بماند.

روی تابلیو یک عکس از آنها باقی مانده؛ تنها یک عکس و یک شماره تماس و دیگر هیچ؛ زینب ۲۰ ساله، مریم ۴۰ ساله، نازنین ۷ ساله، مونا ۱۸ ساله، حمیده ۶۰ ساله و... این گزارش، قصه آدم‌های گمشده این شهر است. در گرمخانه زنان میدان شوش تهران تابلیویی از گمشده‌های این شهر می‌بینی با داستان‌هایی باور نکردنی. به گفته مسئولان مرکز، روزی نیست که خانواده‌ای در اینجا را نزنند و سراغ گمشده‌اش را نگیرند یا عکس عزیز را

## جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

**جدول عادی** افقی: ۱- قدیمی‌ترین و رایج‌ترین گونه‌شناسی غذای مریض ۲- جست‌وجوگر در قدیم به همراه خانه خرید و فروش می‌شد. اداره‌ای در پلیس ۳- در بند کردن - پاسخ داده شده - متدین به دین اسلام ۴- عیب - سوسن کبود - شیرینی سنتی تبریز - مهاجم سابق میلان و رئیس جمهور فعلی لیبریا ۵- پایان‌نامه - اصطلاح جامعه‌شناسی - کندن میوه از درخت ۶- دامن کوتاه و چین دار - نقطه مقابل «پرسس» - چشیدن ۷- از لایه‌های چشم - حجاب خانم - خوب و خوش ۸- پهلوانی که نقطه ضعفش پاشنه پایش بود - کار گروه - وال ۹- بخشی از آپارتمان - مخصوص بانوان - از صنایع دستی ۱۰- پرگومی‌زند - آواز انگشتان خوشحال - یواش ۱۱- زبان رسمی «افغانستان» - کشف قانون جاذبه - گرداگرد لب‌ودهان ۱۲- پایه، ستون - حنا - یک لحظه - گودال ۱۳- دارنده - اسباب ورزش - صدای برخورد ۱۴- باعقیده واحد - مرکز «بنگلادش» - مقابل «تیزی» ۱۵- آتش برنج - اثر دیدنی کرمانشاه

**جدول ویژه** عمودی: ۱- بی‌باکی - اثر «هالی جغتانی» ۲- تاز ساخت - نام «اسد» - رئیس جمهور سوریه - جلوی مو ۳- ماه سریانی - خوشگل و خوش اندام - ساختاری در دیوار اتاق و ساختمان ۴- معشوق - دوست - یار - گشاده‌روی - رنجوری ۵- دسیسه کردن - قیاحت و کراهت - عدد گلر ۶- کلمه شگفتی - زوج - سریع‌ترین هواپیمای جهان ۷- مطیع - فیلم «اصغر فرهادی» (روی پرده سینما) - جنس کلاه روستایی ۸- شغلش پاک کردن غلات است - مرکز «تریش» - صفت رفیق‌بد ۹- میوه خون‌ساز - سبز کم‌رنگ - اثر آلودگی بر جرمه ۱۰- ناگزیر، در مانده - در آن غوطه‌وریم - عصاره میوه ۱۱- حرف جمع - واحدی برای لیتز - آنچه به آن استناد کنند ۱۲- ناپیدا - دختر - مسدود کردن - سینمای فاجعه ۱۳- چین دامن زنانه - بی‌موقع ادبی - نرم شدن ۱۴- دفعه و مرحله - دستگاه آب‌سردکن - شتر مرغ امریکایی ۱۵- نقض عهد کردن - باوقار

**جدول عادی** افقی: ۱- فیلم «استیون اسپیلبرگ» - موش ۲- سازمان بین‌المللی استاندارد سازی - میوه کرکی - کاشف نفت در ایران ۳- سرشار - دوربین اینترنتی - سر دسته ۴- فرم زومات اداری - محل - شهر «نپال» - عمومی تر ۵- قرمز کم‌رنگ - صاعقه - داخل ۶- آسیب جسمی یا روحی - نغمه - باز کردن راهی به معده از طریق پوست ۷- ایالتی در «پاکستان» - مایوس - نورانی ۸- قسمت کوهستانی گیلان - مقدمه چینی - خردمند هندی ۹- نظر انتخاباتی - فاقد آرامش و امنیت - اثر تاریخی بوشهر

**جدول سودوکو** ۳۸۸۱ و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ در ۳۲ یکبار دیده شود

۳۸۸۱

مربع‌های کوچک ۳ در ۳